



# سخنی از اساتید

آقای دکتر کاظم غفارزاده سخا (استاد کودکان)



رزیدنت سال اول پزشکی و دانشجویی است که آمده تا در یک رشته خاص مورد علاقه اش آموزش ببیند تا با ارتقا و افزایش سطح مهارت علمی و عملی در آن رشته بتواند نیازهای بیماران مربوطه را در برقراری سلامت تامین نماید .

آقای دکتر سعید راد (استاد رادیولوژی)



Dear New-Comer Resident,

Welcome to the **Radiology Department**, wish to see you becoming soon an efficient and competent colleague radiologist.

S. Rad MD



آقای دکتر سید کاظم مدائن (استاد ارولوژی)

رزیدنت سال اول فردی مصمم برای پیمودن راه نسبتا سخت و طولانی در جهت رسیدن به اهداف مهمی که هر کدام از این هدفها می تواند گرهی از مشکلات کشور و دانشگاه و بیماران را باز نماید .

خاطره شکوری وش

منیره جوادی



## رزموفیت



دکتر نظری

توکل به خدا

علاقه زیاد به رشته تحصیلی ام علی رغم همه سختی هایش

حمایت تک تک اعضا خانواده بخصوص مادرم

استفاده از منابع اصلی برای مطالعه نه خلاصه یا ترجمه

دکتر افتخاری

توکل به خدا

دکتر گنجی ای فر

سعی و تلاش

زحمات پدر و مادر و تمامی اساتید بخش طب فیزیکی

دکتر کریمی یارنادی

برنامه ریزی

دکتر فخاری

توکل به خدا

پشتکار

دکتر شعاران

امید ، اعتماد به نفس و پشتکار

خاطره بانیر



معاونت آموزش تخصصی و فوق تخصصی

مهر ماه ۱۳۸۸



## حکیده از خاطرات نفرت برتر بود تخصصی سال

دانشگاه مرحله جدیدی از تکامل معنوی، معرفتی انسان و مبدا تمام تحولات کشور است و از نقش و جایگاه رفیع و ممتازی در توسعه کشور برخوردار است، انتظار آن است دانشجوی موفق و فرد شایسته در ابعاد علمی، اخلاقی و ورزشی باشیم. پس از گذشت دوران تحصیل فارغ التحصیلی شویم که ضمن تخصص، تعهد و آموزش مهارت‌های لازم زندگی بتوانیم آنچه که برای سعادت و پیشرفت زندگی مادی



### دکتر سولماز فخاری حائز رتبه دوم رشته بیهوشی

دوران ۴ ساله رزیدنتی بیهوشی پر از خاطرات تلخ و شیرین و پر از حوادث و رویارویی با انواع بیماران مولتی تروما بود. یکی از خاطراتی که هیچ وقت فراموش نمیکنم مربوط به شبی بود که بیماری را به صورت خیلی اورژانس به اتاق عمل آوردند به سرعت بالا سر حاضر شدم مردی رو دیدم که گردنش بریده شده و تمام محتویات گردن بیرون بود و سیانوزه و من فقط چند ثانیه فرصت داشتم که اورا اتوبه کنم و در غیر اینصورت می مرد. به خودم گفتم به هر نحوی من باید اورا نجات بدم در حالی که دستم را در ناحیه بریده فرو کرده و دنبال تراشه بودم. بالاخره بیمار رو اتوبه کردم و او از مرگ نجات یافت. فردای انروز پسر کوچک بیمار به اتاق عمل آمد و مرا خواست. از من به خاطر نجات پدرش تشکر می کرد و در آن لحظه احساس کردم که تا به انروز هدیه ای بهتر از این نگرفته ام.



### دکتر فاطمه نظری حائز رتبه هفتم رشته زنان و زایمان

ماه های آخر سال دوم رزیدنتی بود که تحت سزارین قرار گرفتم و دو نفر از بهترین همدوره هایم برای بودن در کنار من، کشیک شان را تعویض کردند و روز عمل من کشیک دادند ولی آن روز از شلوغ ترین روزهای الزهرا بود. بطوریکه نه تنها آنها نتوانستند در کنار من باشند، به علت درگیر بودن همه رده های رزیدنتی در جاهای مختلف بیمارستان از اتاق زایمان تا بخش گرفته تا اتاق عمل، چند بار از درمانگاه و بخش به اتاق من زنگ زده و مشکلات و سوالاتشان راجع به بیماران را از من می پرسیدند در انتهای کشیک نیز به اصرار از دوستانم می خواستم تا اجازه بدهند در ده ها ویزیت صبحگاهی که داشتند کمکشان کنم که اجازه ندادند.



### دکتر وحید گنجه ای فر حائز رتبه اول رشته توانبخشی

از من خواسته شده خاطره ای از دوران رزیدنتی بنویسم چیزی که چندان تبحری در آن ندارم... پس تنها می توانم آرزو کنم که در آینده اساتید، رزیدنت ها، کارکنان و بیماران در صورت یادآوری حضور بنده، خاطره ای خوشی در ذهن خود داشته باشند.



### دکتر داریوش شیخ زاده حائز رتبه سوم رشته بیهوشی

( بیهوشی با چکش )

یکی از روزهای آذرماه سال ۸۶ درحالیکه بخشهای بیمارستان امام خمینی به بیمارستان امام رضا منتقل می شد متوجه شدم ورودی یکی از گازها شل شده است به زحمت یک چکش پیدا کرده و آن قسمت را محکم کردم. بعد از آن به اتاق عمل رفته و به بیماری که روی تخت خوابیده بود گفتم من دکتر بیهوشی شما هستم، بیمار بهت زده به من نگاه کرده و پا به فرار گذاشت وقتی به خودم نگاه کردم چکش را در دستهایم دیدم.



### دکتر کورش کریمی بارندی حائز رتبه اول رشته جراحی مغز

کشیک یکی از روزهای جمعه خردادماه ۱۳۸۶ با ویزیت بخش ها آغاز شد هنوز ویزیت به اتمام نرسیده بود که همکار سال اول به من اطلاع داد که یک بیمار تصادفی بد حال وارد اورژانس شده و محتاج جراحی است. با اطلاع به اتاق عمل وی را به اتاق عمل بردم حدود ۲۰ دقیقه به پایان عمل جراحی مطلع شدم که جوان دیگری با سابدورال حاد وارد اورژانس شده است بلافاصله اتاق عمل حاضر شد در اواسط جراحی دوم سرو کله جوان دیگری با هماتوم اینتراسربرال وارد اورژانس شد و بلافاصله اتاق عمل حاضر شد که سریعا پس از عمل دوم به اتاق آورده شد. درحالی که عمل سوم رو به خاتمه بود کودکی با شکستگی شدید جمجمه و پارگی وسیع دوامتر به اتاق عمل آورده شد که عمل و بیهوشی وی مدت زیادی بطول انجامید عاقبت در ساعت ۲۱:۱۵ عمل چهارم نیز تمام شد و موفق شدم نهار و شام را باهم بخورم! هنگامیکه از اتاق عمل به پاریون می رفتم سری هم به اورژانس زدم و در آنجا با خانم مسی رویرو شدیم که با یک موتور سیکلت تصادف کرده و با هماتوم وسیع سابدورال این CPR بستری بود. بلافاصله وی را آماده اتاق عمل کردیم و بی استنا به اعتراض برخی دو نفر از پرسنل اتاق عمل به تعدد اعمال آنروز و قطعی بودن برگ این بیمار اقدام به تخلیه هماتوم وی نمودیم. عمل در ساعت ۲:۰۰ به اتمام رسید پنج روز بعد رتبه برای ویزیت بخش رفتم روی تخت که شب قبل از آن پیرزن بدحال را بیهوشی کرده بیهوش با حامل در کردم که روی تخت نشسته و چادر خود را محکم روی صورت خود کشیده بود. از رزیدنت سال اول پرسیدم مگر پیرزن اینتوبه دیشب فوت شده که به جای وی بیمار دیگری بستری کرده اید؟ با کمال تعجب پاسخ شنیدم که خیر این همان پیرزن دیروزی است که دیشب اکتوبه اش کردم.



سعادت چیزی بجز رضایت از خویش نیست و من خوشبخت ترین انسان روی زمینم



### دکتر امیر عبدالله فخاری حائز

رتبه نهم رشته چشم



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.